

تحفة السالك

میرزا محمد صادق درویش کازرونی
در احوال شهر کازرون و توابع آن



کازرون گویند بهشت کازرون
بهر سوادیه شیرمشنبوی و درختان عین

مقدمه، تصحیح و توضیح

دکتر خیرالله محمودی

دانشیار دانشگاه شیراز



انتشارات دانشگاه شیراز

۵۱۹

تحفة السالك

میرزا محمدصادق درویش کازرونی

مقدمه، تصحیح و توضیح

دکتر خیرالله محمودی

دانشیار بخش ادبیات دانشگاه شیراز

سرشناسه	درویش کازرونی، میرزا محمدصادق، ۱۲۶۸ - ۱۳۲۴
عنوان و نام پدیدآور	تحفه السالك / میرزا محمدصادق درویش کازرونی؛ مقدمه، تصحیح و توضیح خیرالله محمودی.
مشخصات نشر	شیراز: دانشگاه شیراز، مرکز نشر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۹۸ ص.
فروست	انتشارات دانشگاه شیراز؛ ۵۱۹
شابک	۹۷۸۹۶۴۴۶۲۵۱۹۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص ۲۹۷.
یادداشت	نمایه.
موضوع	کازرون
موضوع	Kazerun (Iran)
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۳ ق.
موضوع	Persian poetry -- 19th century
شناسه افزوده	محمودی، خیرالله، مصحح
شناسه افزوده	دانشگاه شیراز، مرکز نشر
رده بندی کنگره	DSR ۲۱۱۵ / ۴۵ الف / ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	۹۵۵/۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی	۵۰۶۰۲۳۴

تحفه السالك

میرزا محمدصادق درویش کازرونی

مقدمه، تصحیح و توضیح دکتر خیرالله محمودی

حروفچین رایانه‌ای: فاطمه منقوش

صفحه‌آرا: زینب دهقانی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاه شیراز محفوظ است



شیراز، میدان ارم، کوی دانشگاه شیراز - کد پستی ۸۵۱۱۵ - ۷۱۹۴۶ صندوق پستی ۱۱۶۱

تلفن و تلفکس: ۰۷۱۳۶۲۷۳۰۵۰

شورای انتشارات دانشگاه شیراز

دکتر قاسم حبیب‌آگهی	معاون پژوهشی دانشگاه و رئیس شورای انتشارات
دکتر علیرضا سرداریان	جانشین معاون پژوهشی دانشگاه در شورای انتشارات
دکتر هاجر ستوده	رئیس مرکز نشر
دکتر محمد امامی	دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دکتر مهرزاد بیفش	دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر
دکتر مرتضی خسرو نژاد	دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
دکتر سید مجتبی زبرجد	دانشکده مهندسی
دکتر نوذر سامانی	دانشکده علوم
دکتر علیرضا شریعتی	دانشکده مهندسی شیمی، نفت و گاز
دکتر حمیدرضا شریف	دانشکده هنر و معماری
دکتر عبدالعلی شکر	دانشکده الهیات و معارف اسلامی
دکتر احمد صدرایی جواهری	دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی
دکتر حسین کیانی	دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دکتر مرضیه موسوی نسب	دانشکده کشاورزی
دکتر ناصر وصال	دانشکده دامپزشکی



تقدیم بہ روح جاودانہ، مفسر بزرگوار ام

فهرست مندرجات

شماره صفحه	عنوان
ط	پیش‌گفتار مصحح
۷	مقدمه مصحح
۵	فصل اول: ذکر دیباچه
۱۰	فصل دوم: ذکر قصبه و بلدة کازرون
۱۵	فصل سیم: ذکر بلوک شاپور
۲۱	فصل چهارم: ذکر محلات و باغ‌نظر کازرون
۲۲	فصل پنجم: در بیان حالات مشایخ کبار و مزارات و قبورات و اشعار و گزارشات ایشان
۳۲	فصل ششم: بیان بقاع و امامزادگان و ذکر اولاد حضرت موسی ابن جعفر، علیه السلام
۳۵	فصل هفتم: ذکر سلسله خوانین کازرون
۳۹	فصل هشتم: ذکر سلسله سادات شیخ‌الاسلامی
۴۲	فصل نهم: ذکر سلسله سادات طباطبائی
۴۸	فصل دهم: سلسله مشایخ
۵۴	فصل یازدهم: اطبای کازرون
۵۶	فصل دوازدهم: در ذکر سلسله خواجه مظفر و حاجی کاظم
۶۲	فصل سیزدهم: ذکر خم غدیر
۶۶	فصل چهاردهم: ذکر اعیان و اکابر و ریش‌سفیدان
۶۸	فصل پانزدهم: ذکر اشراف کازرون
۶۹	فصل شانزدهم: ذکر حالات سلسله تجار و سلسله ملک‌التجار کازرون
۷۲	فصل هفدهم: در بیان اقالیم سبعة، بر سیل اجمال و ربع مسکون
۷۷	فصل هجدهم: ذکر بقیه علما و فضلا و اعیان و اشراف
۷۸	فصل نوزدهم: ذکر اعیان و ریش‌سفیدان و کدخدایان
۸۲	فصل بیستم: در ذکر شعرای متقدمین و برخی از اشعار ایشان
۸۹	فصل بیست و یکم: در ذکر شعرای متأخرین و برخی از اشعار ایشان
۱۰۶	فصل بیست و دوم: ذکر فواید سفر و برخی از اندرز بزرگان
۱۱۲	فصل بیست و سیم: بیان حال آقا محمددرویش و شرح حال راقم
۱۲۰	فصل بیست و چهارم: در بیان اولاد آقا محمد و ذکر حالات مولانا شاه نعمت الله ولی
۱۲۹	فصل بیست و پنجم: در ذکر اکسیر
۱۳۶	فصل بیست و ششم: ذکر قراء کازرون
۱۴۲	فصل بیست و هفتم: ذکر قنوات و میاه و برکه و باغ و بساتین کازرون
۱۴۷	فصل بیست و هشتم: در ذکر اسواق و محصولات و مساجد و حمامات

۱۵۰	فصل بیست و نهم: در بیان معافی عصاخانه کازرون
۱۵۲	فصل سیام: در هیأت جدید به قانون حکمای اروپا
۱۵۶	فصل سی و یکم: بیان مجملی از حالات شیخ ابواسحاق و شیخ قطبالدین محمود و شیخ زینالدین
۱۶۰	فصل سی و دوم: ذکر تلگرافخانه و پستخانه و جماعت یهود
۱۶۳	فصل سی و سوم: در بیان عدد امت ختمی مرتبت (ص) و عدد نفوس خلائق و تاریخ طوفان نوح (ع)
۱۶۷	فصل سی و چهارم: ذکر کازرون در بوستان السیاحه
۱۶۹	فصل سی و پنجم: در ذکر فضلا و ذاکرین و بقیه حکما
۱۷۴	فصل سی و ششم: در ذکر مشروطه
۱۷۷	فصل سی و هفتم: در ذکر مجملی از فارس و حدود و سامان آن
۱۸۲	فصل سی و هشتم: در ذکر برخی از اشعار راقم حروف
۲۷۹	نمایه
۲۹۷	کتابنامه

هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيد

پیش‌گفتار

کتاب تحفة السالک اثر محمد صادق بن محمد حسن بن حسینعلی بن آقا محمد درویش کازرونی متخلص به سالک و مشهور به مرشد، از شاعران و نویسندگان دوره قاجار است. این کتاب در شرح احوال شهرستان کازرون و توابع آن تألیف شده است. در این اثر، شهر کازرون از نظر تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی وصف شده است.

مؤلف در این کتاب، گزارش جامع و مبسوطی از اوضاع تاریخی و جغرافیایی بویژه طبقات اجتماعی کازرون را بیان می‌کند که بیانگر آگاهی کامل وی از شهر کازرون و احوال آن شهر را دارد. این کتاب شامل دو بخش است که قسمت اول در شرح احوال کازرون و توابع آن است و قسمت دوم کتاب، مجموعه‌ی اشعار مؤلف است که در قالب‌های قصیده، مثنوی، غزل و رباعی سروده شده است. از این کتاب تنها یک نسخه موجود است که به خط مؤلف می‌باشد و در کتابخانه اسناد ملی شیراز نگهداری می‌گردد.

در تصحیح این نسخه گاه مطالبی وجود داشت که به شرح و توضیح نیاز داشت؛ به همین دلیل برای استفاده بهینه‌ی خوانندگان توضیح مطالب در پاورقی همراه با تصحیح نسخه آمد. اصلاحات نسخه و دخل تصرف در عبارات آن با علامت اختصاری «ن» در پاورقی ذکر شد. در پایان کتاب، فهرستی از آیات، احادیث، اشخاص، مکان‌ها و کتاب‌ها تنظیم گردید. این فهرست بویژه نام اشخاص و مکان‌ها برای خوانندگان می‌تواند مفید باشد.

در اینجا لازم است بعد از سپاس و حمد و ستایش ایزد متّان از عزیزانی که در تصحیح این اثر بنده را یاری کردند سپاسگزاری کنم؛ بویژه دوست بزرگوارم آقای احسان الله عظیمی که محل این نسخه را به بنده اطلاع دادند. سرکار خانم خدیجه کیانی دانشجوی دکترای ادبیات فارسی اصفهان که در بازخوانی نسخه با بنده همراهی کردند، آقای محمد محمودی و سرکار خانم سلما محمودی (فرزندانشان) زحمت تنظیم فهرست‌ها و بازخوانی متن را برعهده داشتند و سرکار خانم فاطمه منقوش که متن کتاب را حروف‌چینی رایانه‌ای کردند و همه‌ی عزیزانی که به گونه‌های مختلف بنده را یاری کردند. اجر همه‌ی آن‌ها با حضرت حق باد.

بیستم مهرماه یک‌هزار و سیصد و نود و پنج

مصادف با ماه محرم الحرام یک‌هزار و چهارصد و سی و هفت

دانشگاه شیراز

خیراله محمودی

مقدمه‌ی مصحح

شرح حال مؤلف

نام و شهرت

محمد صادق بن محمد حسن بن حسینعلی بن آقا محمد درویش کازرونی، از شاعران و نویسندگان عصر قاجار است. تخلص وی «سالک» و مشهور به «مرشد» می‌باشد.

در کتاب مرآة الفصاحه درباره‌ی وی آمده است: «سالک فارسی (کازرونی) ملقب به مرشد کازرونی، اسمش آقا محمد صادق بن آقا محمد حسین. صاحب مرآة الفصاحه او را دیده است». سپس بیتی از او نقل می‌کند.

هر آن کس آگه از سر قضا شد به چوگان قدر، گوی رضا شد^۱

صاحب کتاب آثار عجم در شرح حال وی می‌گوید:

«جناب میرزا محمد صادق، از سلسله مرشدین مذکور است. در حسن عقیدت، بی‌بدل و به نیکی فطرت، ضرب‌المثل. در شیراز ساکن. اوقاتی به طاعت مصروف می‌دارد».^۲

سال و مکان تولد

تولد میرزا محمد صادق، بر اساس گفته‌ی خود در همین کتاب سال ۱۲۶۸ هجری قمری است و در شهر کازرون دیده به جهان گشود.^۳

وی در شرح حال خود می‌گوید:

«تا چهارده سالگی که از درس فارسی فراغت حاصل نمود، مشغول مقدمات صرف و نحو گردید. در خدمت والد ماجد به شیراز آمده، خدمت مولانا میرزا مسیح تحصیل نموده، پدر در تربیت اقامات فوق‌العاده داشت تا در سنه‌ی ۱۲۹۹ والد از مرض وبا از دار فنا به عالم بقا رخت برپست. از فوت پدر پریشان، مفارقت آن جناب به درجه‌ای مؤثر گردید که زیست در کازرون جایز ندانسته، به شیراز آمده، خدمت علمای شامخین و عرفا و ادبا، فیض طلب گردیده».^۴

۱- مرآة الفصاحه، ص ۲۶۴

۲- آثار عجم، ص ۵۳۰

۳- تحفة السالک، ص ۲۱۵

۴- همان، ص ۱۵۵

خانواده میرزا محمد صادق (سالک)

میرزا محمد صادق، نوهی آقا محمد درویش کازرونی است. آقا محمد درویش کازرونی یکی از بزرگان سلسله‌ی ذهبیه و مرید آقا محمد هاشم درویش شیرازی، سی و سومین قطب سلسله‌ی ذهبیه است. مؤلف کتاب در شرح حال جد خود می‌نویسد:

«بالجمله مولد آن جناب [محمد درویش کازرونی] در کازرون بوده و در بیست سالگی علوم دینیہ کما یتبعی دیده و دوره‌ی حکمت الهیه ورزیده، پس از فراغ از تحصیل علوم، بر سرش شوری و در دلش نوری هویدا گشته، حال جذب و انقطاع پیدا می‌کند ... مدتی در طلب و مجاهده بوده، خدمت علمای مشامخین و عرفای راشدین از آن‌ها استفاضه فیوضات نموده تا آنکه صیت آوازه‌ی جناب قطب الاقطاب، عالم ربانی و عارف صمدانی، مولانا آقا محمد هاشم، قدس سره، به گوش هوش آن جناب می‌رسد»^۱.

محمد درویش کازرونی در خدمت آقا محمد هاشم درویش شیرازی با گرفتن دستور سلوک به ریاضت و سیر و سلوک مشغول می‌گردد و به درجات عالی‌ی عرفانی می‌رسد و سپس با اجازه پیر خود، آقا محمد هاشم درویش شیرازی، برای راهنمایی و دستگیری مریدان به کازرون مراجعت می‌کند. وی در اواخر عمر به شیراز برمی‌گردد و در همانجا فوت می‌کند. مقبره‌ی وی بر اساس گفته‌ی مؤلف کتاب در جوار قبر آقا محمد هاشم درویش شیرازی که در حافظیه می‌باشد، قرار دارد. جناب راز شیرازی، سی و پنجمین قطب سلسله‌ی ذهبیه در کتاب مناسک العاشقین درباره‌ی وفات وی می‌گوید:

به شهر کازرونش بود موطن	به شیراز آمد و بنهاد خرگاه
ز بس پیری رؤف و نکته‌دان بود	به دل‌ها داشت ره، ممدوح افواه
درد حق بود بر روح پاکش	برو رحمت فرستد هر سحرگاه
به جنب پیر خود گردید مدفون	غفرالله قد طاب مثواه ^۲

جناب راز شیرازی، قبل از رسیدن به خدمت پدر خود، آقا میرزا عبدالنبیا که در آن زمان قطب سلسله‌ی ذهبیه بوده است، خدمت شش نفر از بزرگان این سلسله می‌رسد. ششمین نفر، محمد درویش کازرونی بوده که وی راز شیرازی را به خدمت پدرش، میرزا عبدالنبیا راهنمایی می‌کند. جناب راز در این مورد می‌گوید:

دلم با درد حق چون آشنا شد	ز جان جویای پیران خدا شد
بر پیری که با شهرت قرین بود	ز حق، او اولیا را جانشین بود
محمد چون که نام آن ولی بود	همه اوصاف حق زو منجلی بود

۱- تحفة السالک، ص ۱۴۳

۲- قوائم الانوار و طوابع الاسرار، ص ۲۲

چو دید از جذبه، جانم در هراسان بگفتا از خدا شد کارت آسان
تو را در کوزه آب و تشنه خفته تو را در خانه یار و رخ نهفته
به نزد باب صورت آن که زادت همان دان باب معنی مرادت^۱

راز شیرازی در کتاب تذکره الاولیای خود در وصف این سالک ذهبی، اشعاری سروده است که در همین کتاب نقل شده است.^۲

سفرهای مؤلف

سالک کازرونی در طول دوران زندگی خود به شهرهای اصفهان، مشهد، تهران، بوشهر و شیراز سفر کرده است. وی در مورد سفرهایش می گوید:

... در همان سال [۱۳۰۷] عازم عتبه بوسی حضرت رضوی، علیه آلاف التحية و الثناء گردید ... دو ماهی در خراسان و دو ماهی در طهران و یک ماهی در اصفهان توقف نمود، مراجعت به شیراز کرده، پس از چندی قونسول دولت آلمان در بوشهر احضار نموده، چند گاهی در بوشهر زیست نمود، بعد به اتفاق قونسول به اصفهان رفته، دو ماهی در اصفهان به سر برده ...^۳

فرزندان مؤلف

میرزا محمد صادق کازرونی به تعداد فرزندان خود اشاره ای نکرده است ولی یکی از فرزندان به نام محمد بوده که اشعاری هم برای نصیحت او سروده است و در وصفش می گوید:

فرزند ارجمند سعادتمند فقیر راقم، جناب آقا محمد - سلمه الله - سَمی جد امجد خود است. اکنون که سن معزی الیه، هیجده سال می گذرد، طبیعتش به عبادت و طاعت راغب است، از هواهای نفسانی و اعمال شیطانی اعراض و احتراز دارد، مشغول تحصیل کمالات صوری و معنوی است.^۴

وی فرزند دیگری داشته که در زمان حیاتش از دنیا رفته و رباعی در رثایش سروده است:

چون ماه دو هفته ام بگردید خسوف خورشید به چرخ چارمین گشت کسوف
از فرقت آن عزیز نادیده جهان از خلق کناره گیرم و پوشم صوف^۵

۱- قوائم الانوار و طوامع الاسرار، ص ۲۲

۲- تحفة السالک، ص ۱۴۳

۳- همان، ص ۱۵۵

۴- همان، ص ۱۵۸

۵- همان، ص ۳۴۶

مذهب و مشرب مؤلف

میرزا محمد صادق کازرونی، اعتقاد به مذهب شیعه‌ی امامیه اثنی عشری داشته است. اشعاری که در وصف امیرالمؤمنین (ع)، غدیر خم و دیگر امامان معصوم، علیهم السلام، در این کتاب سروده، بیانگر این مطلب است.

وی دارای مشرب عرفانی و اهل سلوک بوده است؛ به همین دلیل تخلص خود را «سالک» برگزیده، و مشهور به مرشد گردیده است اما این که پیرو کدام سلسله‌ی اهل تصوف بوده و پیرو راهنمای او چه کسی بوده است به‌طور صریح بیان نکرده ولی با توجه به سفرش به اصفهان احتمال دارد که پیرو سلسله‌ی ذهبیه بوده است. وی در گزارش سفرش به اصفهان می‌گوید:

«عاقبت به راهنمایی پیر و دلیل، خدمت هادی سبیل؛ اعنی جناب زبدۃ العارفین و قدوة الزاهدین و الراشدین، حاجی میرزا جواد بیدآبادی، زید قدسه، مشرب گردیده، غالباً از فرمایشات حکمت‌آمیز آن جناب مستفیض بودم».^۱

میرزا جواد بیدآبادی (آوادی) از مریدان مجدالاشراف، سی و ششمین قطب سلسله‌ی ذهبیه و نماینده‌ی مجدالاشراف، در اصفهان بود.^۲ و مجدالاشراف بین سال‌های ۱۲۴۶ تا ۱۳۳۱ در قید حیات بوده که مقارن با زندگی مؤلف است و هم‌چنین جد میرزا محمد صادق کازرونی، مؤلف کتاب، آقا محمد درویش کازرونی است و همانگونه که به آن اشاره شد، وی یکی از مریدان جناب آقا محمد هاشم درویش شیرازی است که از طرف وی مأمور راهنمایی و دستگیری سالکان ذهبیه در کازرون بوده است.

مؤلف در شرح حال جدّ خود تمام اقطاب سلسله‌ی ذهبیه قبل از آقا محمد هاشم درویش شیرازی تا معروف کرخی را معرفی می‌کند، بنابراین به نظر می‌رسد که سالک کازرونی پیرو سلسله ذهبیه بوده و پیری که به وی دستور می‌دهد در اصفهان به خدمت آقا محمد جواد بیدآبادی برسد، مجدالاشراف بوده است.

وفات مؤلف

زمان و مکان وفات مؤلف در جایی ثبت نگردیده است. مؤلف، تاریخ شروع تألیف کتاب را سال ۱۳۲۵ بیان می‌کند و وضع جسمانی خود را در آن زمان بدین‌گونه وصف می‌کند که ضعف جسمانی و بینایی بر وی غالب گشته است و این احتمال دارد که تألیف کتاب حداقل یک سال به طول انجامیده است. با این توصیف مؤلف تا سال ۱۳۲۶ در قید حیات بوده و مرگ وی در همان سال یا بعد از آن اتفاق افتاده است چون شرایط جسمانی و بینایی او به گونه‌ای بوده است که امکان سفر به جایی

۱- تحفة السالک، ص ۱۳۸

۲- مقدمه‌ی کوثرنامه

نداشته و در این زمان هم مشغول تألیف کتاب خود بوده است بنابراین در کازرون سکونت داشته و به نظر می‌رسد وفات وی در همان شهر اتفاق افتاده است.

معرفی کتاب تحفه السالک

تاریخ تألیف

کتاب تحفه السالک در سال ۱۳۲۵، همزمان با حکومت محمدعلی شاه، تألیف گردیده است؛ چنانکه مؤلف در مقدمه می‌گوید:

«بعد چنین گوید: اقل خلیفه بل لا شیء فی الحقیقه، تراب اقدام فقراء، سرگشته‌ی وادی حیرانی، محمد صادق بن محمد حسن بن حسینعلی بن آقا محمد درویش کازرونی ... در بدو سلطنت دولت پرشکوه ابد مدت ... محمد علی شاه قاجار که چند روزی است بر تخت سلطنت موروثی آبا و اجداد خود جلوس میمنت مانوس فرموده‌اند. در هذه السنه (۱۳۲۵) ... این فقیر بی‌بضاعت به مضمون «ان النفس ان لم تشغله شغلتک» محض اشتغال به خیال افتاد که شرح بنای کازرون و گزارشات آنجا را از بدو الی زمنا هنا کما ینبغی بنگارد؛ لهذا با عدم حواس و پراکندگی خاطر به نگارش این نسخه پرداخت»^۱

موضوع کتاب

کتاب تحفه السالک در شرح احوال کازرون و توابع آن است. این کتاب شامل دو بخش اصلی است؛ یکی در شرح احوال کازرون و مطالب متفرقه و دوم اشعار مؤلف است.

اهمیت کتاب

کتاب‌های تاریخ محلی که در شرح احوال یک شهر یا منطقه نگاشته می‌شود از جهات مختلف با ارزش است. درباره‌ی شهر کازرون در آثاری که دیگران نگاشته‌اند به اجمال بیان شده است. از جمله: فارسنامه ناصری، آثار عجم، مرآة الفصاحه و آثار الرضا اما کتابی که به صورت کامل و جامع درباره‌ی این شهر و توابع آن نگاشته شده باشد وجود ندارد. به همین دلیل این کتاب تنها اثر مکتوبی است که درباره شهر کازرون و احوال آن کامل نوشته شده است.

محتوای کتاب

همانگونه که در قبل گفته شد، محتوای این کتاب شامل دو بخش است، بخش اول شرح احوال کازرون و توابع آن که شامل این مطالب است.

۱- تحفه السالک، ص ۱۰

۱- اوضاع جغرافیایی کازرون و توابع: در این بخش مؤلف ویژگی‌های جغرافیایی کازرون و توابع، آثار باستانی بنا شده در این شهر و جای‌های معروف کازرون را معرفی می‌کند.

از خصوصیات بارز این بخش این است که مؤلف نام مکان‌های این شهر از جمله، بازارها، مساجد، محله‌ها، مکان‌های مقدس زیارتی و سیاحتی، آسیاب‌ها، باغ‌ها، قنات‌ها، تلگراف خانه و پست‌خانه‌ها، عصارخانه‌ها، رودخانه‌ها و ... به‌طور جامع بیان می‌کند.

۲- اوضاع تاریخی کازرون: در این بخش صاحب کتاب تحفه السالک تاریخ بنای شهر کازرون از آغاز و تحولات تاریخی آن تا زمان مؤلف را توضیح می‌دهد و به معرفی بناهای تاریخی این شهر می‌پردازد و به رویدادهای تاریخی که در این شهر در دوران مختلف اتفاق افتاده اشاره می‌کند و به نظر می‌رسد که صاحب این کتاب از تاریخ و رویدادهای این شهر آگاهی کامل داشته و از منابع مختلف که درباره‌ی وقایع تاریخی این شهر نگاشته شده بهره جسته است.

۳- طبقات اجتماعی مردم کازرون: سالک کازرونی در این کتاب تمام طبقات شهر کازرون، خانواده‌ها و اجداد آن‌ها را معرفی می‌کند؛ از جمله: طبقات تاجران، طبیبان، عارفان، مشایخ، ریش‌سفیدان، مؤذنان، اشراف، شعرا، خوانین، سادات، فضلا و ...

بخش دوم کتاب، اشعار مؤلف است که بعد از حمد و ستایش خداوند متعال و مدح و وصف پیغمبر (ص) و امیرالمؤمنین و معصومین، علیهم السلام، در موضوعات مختلف سروده شده است از جمله: در وصف عشق الهی، داستان‌های عاشقانه مثل داستان لیلی و مجنون با روایتی که در آثار دیگران به آن اشاره‌ای نشده است، داستان عشق‌هایی که در زمان حیات مؤلف اتفاق افتاده است. داستان‌هایی از بزرگان عرفان از جمله: بایزید بسطامی، معروف کرخی، ابراهیم ادهم و ... درباره‌ی وقایع تاریخی زمان مؤلف مانند میلاد امپراطور آلمان و اوضاع شهر شیراز در آن زمان. اشعاری در شکایت از روزگار غدار و نصیحت به فرزند خود، محمد، و سرانجام، رباعیات که در موضوعات مختلف سروده شده است. اشعار در قالب مثنوی، قصیده، غزل و رباعی است.

شیوه‌ی تدوین کتاب تحفه السالک

مؤلف در آغاز کتاب مقدمه‌ای کوتاه در وصف محمدعلی شاه قاجار بیان می‌کند، سپس فهرست مطالب کتاب را می‌آورد. بعد از فهرست‌ها، فصل اول یا عنوان ذکر دیباچه با حمد خداوند متعال آغاز می‌کند. در فصل دوم به شرح احوال کازرون می‌پردازد. وی شرح هر بخش را به‌طور جامع و کامل بیان می‌کند به‌گونه‌ای که در معرفی طبقات اجتماعی، تمام افراد هر خانواده حتی فرزند و فرزندزادگان را نیز معرفی می‌کند اما آنچه در تدوین کتاب مشهود است پراکندگی موضوع است. به عنوان مثال شرح بخشی از مطالب ذکر شده آغاز می‌شود بعد بدون مقدمه بحث دیگری که ارتباطی به آن موضوع ندارد شروع می‌شود.

در قسمت معرفی طبقات اجتماعی مردم، بدون مقدمه مؤلف به شرح اکسیر یا شرح اقالیم سببه می‌پردازد و سپس ابیاتی در واقعه غدیر خم ذکر می‌کند. این احتمال دارد که زمان نوشتن این مطالب مصادف با عید غدیر خم بوده است و مؤلف به دلیل اعتقاد و علاقه به این روز، تصمیم می‌گیرد که ابیاتی در واقعه این روز بیان کند.

از آوردن مطالب گوناگون در لابه‌لای مطالب کتاب می‌توان حدس زد که مؤلف کتاب از علوم رایج آگاهی نسبی داشته است از جمله علم نجوم، جغرافیا، کیمیا و ...

قسمت دوم کتاب مجموعه‌ی اشعار مؤلف است که در بخش قبل به آن اشاره شد.

شیوه‌ی بیان کتاب

نوع نثر کتاب تحفة السالک مانند دیگر کتاب منثور عصر قاجار، ساده و روان و آمیخته با زبان عامیانه است و با توجه به این که موضوع کتاب تاریخ محلی است زبان و نثر کتاب بیشتر به صورت زبان عامیانه مردم کازرون است. مؤلف کتاب گاه از اشعار فارسی و عربی شاعران بزرگ برای شاهد مطالب خود استفاده کرده است؛ از جمله اشعار سعدی، حافظ، مولوی، سنایی و دیگر شاعران. از آیات، احادیث و امثال عربی نیز بهره جسته است و در بعضی موارد نثر آهنگین و مسجع می‌شود؛ مثل مقدمه کتاب که در حمد باری تعالی آمده است.

«و بعد، شکر و سپاس بی‌قیاس خالق را سزااست که ملکش بی‌انبار و درگاه لطف و مرحمتش بر خلاق باز است. غفوری که قلم عفو را بر نامه معاصی جن و انس «و یعفو عن السيئات» درکشیده، گویی که از طاعت امرش هر شاخ و برگ بار دهد و خوان نعمتش به مهمان خانه «رزقناهم من طیبات» برای هر مؤمن و کافری گسترده. مبدعی که دست مشیتش چهار طبع مخالف با هم آمیزش داد. صانعی که مملکت نفوس و ارواح را به «احسن تقویم»، در قلعه ابدان انسانی جا داد و سلطنت این مملکت به دست حضرت عقل داد...»^۱

اهمیت کتاب تحفة السالک

کتاب‌های تاریخ محلی از جهات مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است و برای محققان می‌تواند یکی از منابع مهم تحقیق باشد. در آثاری، که درباره شرح حال استان فارس نگاشته شده است. به‌طور اجمال درباره‌ی کازرون نیز آمده است از جمله؛ فارسنامه ناصری، فارسنامه ابن بلخی، آثار عجم، مرآة الفصاحه و آثار الرضا اما اثری که کامل به شهر کازرون و توابع آن پرداخته باشد، نگاشته نشده است. این کتاب تنها اثری است که منحصر به شهر کازرون و توابع آن است و مطالب گزارش شده جامع و کامل است؛ بنابراین می‌تواند منبع مهم و مورد اعتمادی برای محققان در موضوعات مختلف تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی آن شهر باشد.

معرفی نسخه‌ی تحفه السالك

از این کتاب فقط یک نسخه به خط مؤلف موجود است که در کتابخانه اسناد ملی شیراز نگهداری می‌شود.

نسخه دارای ۴۳۴ صفحه در ابعاد ۱۱ × ۱۸ است. در هر صفحه ۱۲ سطر با خط نستعلیق شکسته و تقریباً نامرتب نوشته شده است. عنوان‌ها با رنگ شنگرف است و صفحات ساده و بدون کمند و جدول است. جلد کتاب روغنی با رنگ تیره و بدون تزئین و ترنج و لچکی است.

در مقدمه نسخه، یادداشت هدیه کننده که شخصی به نام کاظم اژدري نقاش می‌باشد و از نوادگان مؤلف است نوشته شده است.

روش تصحیح

تصحیح کتاب با توجه به تک نسخه بودن آن به روش قیاسی انجام گردید چنانچه متن نیاز به تصحیح داشت صحیح کلمه یا عبارت در متن قرار گرفت و متن نسخه در پاورقی با علامت اختصاری «ن» نوشته شد. در بعضی موارد که قسمت‌های نسخه خوانا نبود یا نیاز به تصحیح قیاسی داشت. متن اصلاح شده در علامت «[]» قرار گرفت و در پاورقی شکل اصلی متن نسخه قرار داده شد. اگر متنی یا واژه‌ای از نسخه قابل خواندن نبود آن قسمت با علامت «...» در متن مشخص گردید و در پاورقی با عنوان «نسخه خوانده نشد» نوشته شد.

بعضی از مطالب نسخه نیاز به شرح و توضیح داشت از آنجایی که خوانندگان این کتاب‌ها بیشتر به توضیحات نیاز دارند بنابراین آن‌ها را در پاورقی همراه با تصحیح نسخه قرار داده شد تا خوانندگان نیاز به مراجعه به تعلیقات نداشته باشند. بنابراین در پاورقی هم شرح عبارات و هم تصحیح متن قرار گرفت. در بخش تعلیقات، فهرست آیات، احادیث، مکان‌ها، اشخاص و منابع تنظیم گردید که نام مکان‌ها و اشخاص می‌تواند برای خوانندگان مفید باشد. بازنویسی متن با رسم الخط رایج امروز فرهنگستان صورت گرفت.

هو الله
هذا كتاب تحفة
السالك

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله مالك الملك مجرى الفلك مسخر الرياح فاني
الا صباح يان الذي رب العالمين ولعل
مشكو و سباس پادشاهى فاني را سترت كه ملك
درگاه لطف و همش بر خلائى باز است عفو بى كم
عفو را بر نامه معافى را بنى و عفو و اعتراف
در كشيد كوي كه از اهدايت آفرين هر شمع و بر يك

فصل اول در بیان فکر و خیال

بار در دهن و خوردن نقش بر آینه و زنگار بر آینه
 بر این بر زمین و کافری کشته شده و مدتی که در دستش
 چهار طبع می افتد تا هم ازین راه صدق که مملکت نفوس
 از دراج راه احسن نفوس در قله ابدان این جادوار
 و سلطنت این مملکت به دست حضرت عقد دارد قاتل
 که آدم باطن خویش از هم موجودات برگزیده و خلقت و کرم
 بگوئیم بقدر سایه او پوشیده ما نفع از این
 بجز زبان شنای نو گوئیم و بجز طریق راه نو گوئیم این صیره
 که گوئیم من الله ما لک در این جبهه و غایت کلمات
 مالک این برنج جانت الکبریا و عزتای و اعراض
 جدت را بستی ازین و ستمای عجز الی صفتون
 ع

در پیش نهاد کعبه شکاری	میرخی دیم نسبت به درباری
بر کوه لیسر دگر چه ولاداری	معارف میرد و معصی
بیشتر و سار هم به سانی	آند به سرم هاسه سانی
مکن سرفرازی اندر حایق	دانی که جان کشانی بقا
انصاف در تقسیم است لازم از انجی	دالی چه زور درین جهان دارکی
آن کی به شورش شود ایداری	بالمع ایشتر چاره اینجا نیدر



میرزا محمد صادق درویش کازرونی

هُوَ اللهُ تَعَالَى شَأْنُهُ

بر ضمیر پاک و خاطر درآک نقّادان سخن و مورّخان نو و کهن مستور نماند که در زمان دولت جاویدمدّت شاهنشاه اسلام پناه، خدیو^۱ فلک پرچم، شهریار انجم حشم، السلطان ابن السلطان، الخاقان ابن الخاقان، محمدعلی شاه قاجار- ادام الله ملکه- کتاب مسمیّ به «تحفة السالک» از تألیفات اقلّ خلیقه^۲، بل لا شیء فی الحقیقه^۳، تراب اقدام فقرا، محمدصادق، الشهیر به مرشد، المتخلّص به سالک کازرونی، به تاریخ این مصرع، آغاز و انجام پذیرفت: «جهان پیر اینک گشت برنا» ۱۳۲۵.

فهرست کتاب «تحفة السالک» مشتمل است بر سی و هشت فصل

فصل اوّل	در ذکر دیباچه
فصل دوّم	در ذکر قصبه و بلدة کازرون
فصل سیّم	در ذکر بلوک شاهپور و نقوش آن
فصل چهارم	در ذکر محلات و باغ نظر کازرون
فصل پنجم	در بیان حالات مشایخ کبار و مزارات و قبورات و اشعار و گزارشات ^۴ ایشان
فصل ششم	بیان بقاع و امامزادگان ^۵ و ذکر اولاد حضرت موسی ابن جعفر، علیه السّلام
فصل هفتم	در ذکر و بیان سلسله خوانین کازرون
فصل هشتم	در ذکر سلسله سادات شیخ الاسلامی و سادات عظام طباطبائی و سادات حسینی
فصل نهم	در ذکر سلسله سادات حسینی و سایر سادات عظام
فصل دهم	در ذکر سلسله مشایخ و سایر علما و فضلاء عصر
فصل یازدهم	بیان حالات اطباء کازرون
فصل دوازدهم	در بیان سلسله خواجه مظفر و حاجی کاظم

۱- خدیو: پادشاه

۲- اقل خلیقه: کم ارزش ترین مخلوق. مؤلف از این اصطلاح برای خود در این کتاب مکرّر به کار برده است

۳- بل لا شیء: بلکه هیچ چیز نمی باشد.

۴- ن: گزارشات

۵- ن: امامزاده گان

فصل سیزدهم	در بیان خم غدیر بر سبیل نظم
فصل چهاردهم	در ذکر اعیان و اکابر و ریش سفیدان کازرون
فصل پانزدهم	در ذکر حالات اشراف کازرون
فصل شانزدهم	در ذکر حالات سلسله تجار و سلسله ملکه التجار کازرون
فصل هفدهم	در بیان اقالیم سبعة بر سبیل اجمال و ربع مسکون
فصل هیجدهم	در ذکر علمای معاصرین
فصل نوزدهم	در ذکر اعیان و ریش سفیدان و کدخدایان
فصل بیستم	بیان شعرای متقدمین و برخی از اشعار ایشان
فصل بیست و یکم	در ذکر شعرای متأخرین و برخی از اشعار ایشان
فصل بیست و دوم	در بیان فواید مسافرت و برخی از اندرز بزرگان
فصل بیست و سوم	بیان حال رضوان جایگاه آقا محمد درویش و شرح حال راقم
فصل بیست و چهارم	در بیان اولاد آقامحمد و ذکر حالات مولانا شاه نعمت الله ولی- علیه الرحمة- بر سبیل اجمال
فصل بیست و پنجم	در ذکر اکسیر بر سبیل اجمال
فصل بیست و ششم	در ذکر قراء کازرون و عدد قراء مذکور
فصل بیست و هفتم	در ذکر قنوات و میاه و برکه و باغ و بساتین ^۲ کازرون
فصل بیست و هشتم	در ذکر اسواق و محصولات و مساجد و حمامات
فصل بیست و نهم	در بیان معرفی عصاخانه کازرون
فصل سی ام	در ذکر هیئت جدید به قانون نجوم حکمای اروپا
فصل سی و یکم	بیان مجملی از حالات شیخ ابواسحاق و شیخ بزرگوار، قطب الدین محمود و شیخ زین الدین
فصل سی و دوم	در ذکر تلگرافخانه و پستخانه و جماعت یهود
فصل سی و سوم	در بیان عدد امت ختمی مرتبت (ص) و عدد نفوس خلائق و تاریخ طوفان نوح (ع)
فصل سی و چهارم	در ذکر کازرون از قراری که در «بوستان سیاحه» ذکر شده
فصل سی و پنجم	در ذکر فضلا و ذاکرین و بقیه حکما
فصل سی و ششم	در ذکر مشروطه و مجلس ملی بر سبیل اجمال
فصل سی و هفتم	در ذکر مجملی از فارس و حدود و سامان آن

۱-ن: از فصل بیست و یکم تا آخر فصل سی و هشتم «و» ندارد.

۲-ن: بساطین

فصل سی [او] هشتم در ذکر برخی از اشعار راقم حروف که مشتمل است بر حکایات چند،
مقاله در مذمت دنیا،

قصیده در منقبت حضرت مولی الموالی (ع) و جواب قصیده مرحوم میرزا علی اصغر خان صدراعظم،

شرح حال پر اختلال نعمان سلطان عرب

بیان معجزه حضرت موسی ابن جعفر، علیه السلام

مقاله در نصیحت و اندرز با فرزند خود

قصیده در منقبت حضرت مولی الموالی، علی، علیه السلام

قصیده در میلاد امپراطور دولت آلمان

گفتار در انقلاب روزگار و غوغای شیراز. خاتمه در رباعیات است.